

## چارچوبی تبیینی برای تحلیل منطق شناختی-ادراکی جامعه عراق (مطالعه موردی: مسئله اشغال)

علیرضا دمیرچی<sup>۱</sup>، روح‌الامین سعیدی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۲۱

### چکیده

عراق جامعه‌ای پیچیده و چندوجهی دارد. به همین دلیل، تحلیل‌گران عموماً در زمینه تحلیل این جامعه با دشواری‌های بسیاری روبرو هستند. رفتارهای بعضاً متناقض و غیرقابل‌پیش‌بینی از این جامعه به کرات دیده شده است. مقاله حاضر خواستار احصاء منابع و مبادی شناختی جامعه عراق در حوزه سیاسی-اجتماعی است. این پژوهش کاربردی با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از ابزار گردآوری اسنادی مترصد آن است که به این پرسش پاسخ دهد؛ منابع و منطق شناختی جامعه عراق در قالب چه مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی قابل‌شناسایی و مفصل‌بندی است و آیا می‌توان چارچوبی را برای تحلیل این منطقه و ساختار روان-جامعه شناختی ارائه نمود؟ از دیدگاه نگارندگان، مبانی و منابع شناختی-ادراکی جامعه عراق در پنج حوزه به هم تنیده قابل تحلیل است: اسلامی؛ ناسیونالیسم عراقی؛ سوسیالیستی؛ (پست) مدرنیستی؛ و تاریخی. برای درک و یا حتی آینده‌پژوهی هر پدیده و روند سیاسی-اجتماعی در کشور عراق ناگزیر باید به سراغ این مبادی رفته و در نسبت با آن‌ها به تحلیل مقولات پرداخت. به‌عنوان یک مطالعه موردی، در این جستار پژوهشی نیز مسئله اشغال عراق، کیفیت برخورد جامعه عراقی با این موضوع، و نتایج و برآیندهای آن برای جامعه عراق اعم از نخبگان، جامعه مدنی و توده‌ها مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

**واژگان کلیدی:** منطق شناختی-ادراکی، برساخت‌گرایی اجتماعی، ناسیونالیسم عراقی، پست‌مدرنیسم.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup> (نویسنده

مسئول) [a.damirchi@isu.ac.ir](mailto:a.damirchi@isu.ac.ir)

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup>

[rooholaminsaeidi@yahoo.com](mailto:rooholaminsaeidi@yahoo.com)

## ۱. مقدمه

عراق کشوری است که معمولاً به واسطه جامعه پیچیده و چندوجهی، رفتارهای مردم، سیاستمداران و افراد شاخص آن به راحتی قابل درک و پیش بینی نیست. مردم این کشور به دلیل حوادث سخت و دشوار زیر از شخصیت و رفتار خاصی در قبال حوادث و مسائل مختلف برخوردار هستند:

(۱) اشغال،

(۲) جنگ،

(۳) تحریم،

(۴) ویژگی‌های خاص روان‌شناختی و جامعه‌شناختی از قبیل شخصیت دوگانه، همان‌طور که علی وردی، جامعه‌شناس برجسته عراقی در کتاب "شخصیة الفرد العراقی" بیان می‌کند (الوردی، ۲۰۱۲)،

(۵) فرهنگ سنتی در حال گذار جامعه،

(۶) پیشینه پرافتخار و برجسته تاریخی و تمدنی،

(۷) ساخت سیاسی نامناسب،

(۸) وجود اقوام و مذاهب مختلف و امثال آن.

این موضوعات باعث گردید بسیاری از پژوهشگران، متخصصان و کارشناسان میدانی این حوزه نتوانند به‌طور کامل واکنش مردم را در این کشور پیش‌بینی و یا بعضاً تجزیه و تحلیل کنند. به‌عنوان مثال، می‌توان به حمله ایالات متحده آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳م. اشاره کرد که برخلاف نمونه‌های تاریخی آن، با عدم مقابله عموم مردم عراق با اشغالگران در ابتدای امر همراه بود. این مورد باعث شد تا بعضاً نگرش‌های منفی نسبت به مردم این کشور به وجود بیاید که آن‌ها شاید حامی اشغال بوده و نیروهای آمریکایی را به مانند یک نیروی منجی می‌نگریستند. در صورتی که بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد اگر فهم درستی از گفتمان‌ها و فضای فکری درون ذهن مردم عراق حاصل شود، در نهایت

این برداشت به دست می‌آید که مردم این کشور عموماً نگاه مثبتی نسبت به اشغال به‌وسیله نیروی خارجی نداشته‌اند.

بر این اساس، پژوهش حاضر خواستار این است با ارائه چارچوبی تبیینی برای تحلیل منطق شناختی-ادراکی جامعه عراق به این سؤالات پاسخ دهد که؛

(۱) منابع و منطق شناختی جامعه عراق در قالب چه مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی قابل شناسایی و مفصل‌بندی است؟

(۲) آیا می‌توان چارچوبی را برای تحلیل این منطقه و ساختار روان-جامعه شناختی ارائه نمود؟

نگارندگان بر اساس شواهد و الگوی به‌دست‌آمده، الگوی مطرح‌شده در این مقاله را با پاسخ به این سؤال فرعی ثابت خواهد کرد که آیا نوع نگرش مردم نسبت به پدیده اشغال امری مثبت بوده یا منفی؟

به‌نظر می‌رسد شناخت و فهم مسئله مذکور و احصای الگویی تبیینی به متفکرین این حوزه کمک کند تا شناخت نزدیک‌تری نسبت به واقعیت را بتوانند داشته باشند و کارشناسان میدانی حاضر بتوانند نسبت به پیش‌بینی آینده از الگویی علمی برخوردار باشند. البته نگارندگان مقاله بر این اعتقاد هستند این تلاش علمی می‌تواند در کنار کمک به فهم بیشتر و بهتر مسئله، نقطه شروعی برای بررسی‌ها و کاوش‌های علمی دیگر باشد. همچنین لازم به ذکر است عدم بررسی این مسائل باعث می‌گردد تا با نداشتن فهم درست از جامعه عراق، تصمیمات و بررسی‌های علمی نادرستی از موضوعات مختلف در درون جامعه این کشور به‌وجود آید.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

### ۲-۱. پیشینه‌شناسی

با وجود آن‌که روانشناسی جمعی از موضوعات مهم در شناخت و درک یک کشور به شمار می‌رود، اما واکاوی و بررسی این مسئله در مورد کشور مهم عراق مغفول باقی مانده و مورد بررسی قرار نگرفته است. در جدول (۱) به مرور آثار مرتبط با موضوع اشاره شده است.

جدول شماره ۱. پیشینه پژوهش و ادبیات موجود

نام نویسنده	عنوان/سال پژوهش	یافته‌های پژوهش	نوآوری
فریبرز ارغوانی پیرسلامی، سید جواد صالحی، مرضیه عابدی	بنیان‌های جامعه‌شناسی گسست در امنیت ملی عراق نوین/۱۳۹۶	این مقاله مترصد است معما و گسست در امنیت ملی عراق نوین (دوره پس‌اصدام) را در بستر شاخص‌های جامعه‌شناختی این کشور مورد مطالعه قرار دهد.	پژوهش حاضر برخلاف رویکرد این مقاله به دنبال استفاده از یک رویکرد روان‌شناسانه به جهت فهم چگونگی شناخت یک مسئله از جانب یک فرد عراقی است.
توحید محرمی	اشغال سرزمینی و پیامدهای فرهنگی آن (مطالعه موردی اشغال عراق)/۱۳۹۴	این مقاله مترصد است ضمن طرح برخی از پیامدهای فرهنگی و با توجه به مقوله هویت و پیامدهای ایجابی بر فرهنگ عراق در قانون جدید این کشور، ارزیابی مناسبی از پیامدهای فرهنگی ناشی از اشغال این کشور ارائه دهد.	این پژوهش با محدود نکردن خود در موضوع پیامدهای فرهنگی و هویتی اشغال عراق، با عنایت به روانشناسی مردم عراق از ابعاد گوناگون شناختی به بررسی مسئله اشغال می‌پردازد.
عنایت‌الله یزدانی، مختار شیخ حسینی	بحران هویت در عراق معاصر: واکاوی علل و زمینه‌ها/۱۳۹۲	این مقاله مترصد است به بررسی عوامل دخیل در شکل‌گیری بحران هویت در عراق با تأکید بر عراق بعد از اشغال آمریکا بپردازد.	این پژوهش با محدود نکردن خود در موضوع پیامدهای فرهنگی و هویتی اشغال عراق، با عنایت به روانشناسی مردم عراق از ابعاد گوناگون شناختی به بررسی مسئله اشغال می‌پردازد.
علی الوردی	لمحات الاجتماعیه من تاریخ العراق الحدیث	این کتاب به‌عنوان یکی از کتب مرجع در حوزه جامعه‌شناسی تاریخی عراق، در پی بررسی تاریخ و اوضاع اجتماعی کشور عراق از دوران حکومت عثمانی تا اوایل قرن بیست است.	رویکرد مقاله فوق باوجود استمداد از مباحث جامعه‌شناختی، در حوزه روانشناسی جمعی است.

<p>این مقاله با استفاده از پیامدهای امنیتی، نظامی و سیاسی اشغال عراق به‌عنوان پیش‌فرض ذهنی مردم عراق در مورد مسئله اشغال به‌بررسی روانشناسی جمعی آن‌ها در این موضوع پرداخته است.</p>	<p>این پژوهش به بررسی میزان رشد و قدرت‌گیری گروه‌های اسلام‌گرا شیعی و سنی در حوزه‌های مختلف به‌عنوان پیامد اشغال کشور عراق پرداخته است.</p>	<p>پایان‌نامه تأثیر تحولات عراق پس از اشغال بر رشد گروه‌های اسلام‌گرا در این کشور/۱۳۹۰</p>	<p>حوا ابراهیمی‌پور</p>
<p>این مقاله با عنایت و توجه به این مشکل، این مسئله را به لحاظ ذهنی در رویکرد روان‌شناسانه مردم این کشور نسبت به مسئله اشغال مؤثر می‌داند اما خود را صرفاً محدود به این علت نمی‌کند.</p>	<p>این پژوهش مترصد مطالعه مشکل امنیت اجتماعی عراق در دوره اشغال آمریکا بر اساس شاخص‌های اجتماعی این کشور است.</p>	<p>پایان‌نامه: صلح و امنیت در عراق: موانع امنیت اجتماعی در دوران اشغال توسط امریکا (۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱)</p>	<p>خالد جاسم شان شان</p>
<p>این مقاله با استفاده از پیامدهای امنیتی، نظامی و سیاسی اشغال عراق به‌عنوان پیش‌فرض ذهنی مردم عراق در مورد مسئله اشغال به بررسی روانشناسی جمعی آن‌ها در این موضوع پرداخته است.</p>	<p>این پایان‌نامه در پی بررسی کیفیت تأثیرات حمله آمریکا به عراق بر ایجاد و گسترش گروه‌های تروریستی در داخل خاک این کشور است.</p>	<p>پایان‌نامه: تهاجم نظامی امریکا به عراق و تأثیر آن بر تروریسم داخلی (۲۰۰۳-۲۰۱۶م.)</p>	<p>سعید شاه‌محمدی</p>
<p>شکست توسعه سیاسی و گسترش فساد یکی از زمینه‌های بدبینی ذهنی مردم عراق نسبت به مسئله اشغال است که در این پژوهش در قالب علت سوسیالیستی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مقاله</p>	<p>رساله به یکی از بنیادی‌ترین مسائل توسعه عراق یعنی بحران توسعه سیاسی، بعد از ۲۰۰۳م. می‌پردازد. اساساً از این مقطع، برخی از مهم‌ترین مقدمات پیش‌شرطی لازم نظیر فضای قانونی داخلی و حمایت بین‌المللی برای توسعه سیاسی</p>	<p>رساله دکتری: دولت متزلزل و سیاست‌گذاری توسعه سیاسی: زمینه جامعه‌شناختی تأخیر توسعه سیاسی در عراق جدید: (۲۰۱۶-۲۰۰۳م.)</p>	<p>عبدالعظیم السیمری</p>

<p>علت مسئله اشغال را فراتر از این علت مطرح شده می‌داند.</p>	<p>در عراق جدید فراهم بوده است. ایده اصلی پژوهش، حول محور زمینه جامعه‌شناختی شکست سیاست‌گذاری توسعه و بروز وضعیت «تأخیر توسعه سیاسی» در عراق جدید شکل می‌گیرد.</p>		
<p>این کتاب، دلیل تفاوت رفتار مردم را در برخورد دوگانه آن‌ها نسبت به مسائل مختلف می‌داند. اما نشان می‌دهد برخی دیگر از پژوهش‌ها، دلیل نگاه مردم نسبت به مسائل را در تفاوت شناخت آن‌ها بر اساس مبانی مذکور شناسایی می‌کند.</p>	<p>این کتاب در پی بررسی جامعه‌شناسانه جامعه عراق از طریق واکاوی شخصیت مردم این کشور از سه جنبه است:</p> <p>(۱) تمدنی، (۲) اجتماعی، (۳) روان‌شناختی.</p>	<p>شخصیة الفرد العراقي/ ۲۰۱۲</p>	<p>علی الوردی</p>

مرور آثار پرداخته‌شده نسبت به موضوع پژوهش در دو عنوان جامعه‌شناسی عراق و روانشناسی مردم عراق بعد از اشغال این کشور مطابق با آنچه در جدول (۱) به آن اشاره شد، نشان می‌دهد علی‌رغم این‌که این موضوع از اهمیت بسزایی برخوردار است اما پژوهش‌های منتشرشده تاکنون به بررسی این امر نپرداخته‌اند. در این آثار عمدتاً به مطالعه پیامدهای اشغال عراق و یا بررسی جامعه عراق پرداخته شده است.

این رویکرد در صورتی است که پژوهش حاضر در پی بررسی روان‌شناسی جمعی مردم عراق است که طی آن با نگاهی ادراکی-شناختی، نگاه منفی مردم عراق نسبت به مسئله اشغال را ناشی از شناخت آن‌ها بر اساس مبانی زیر توضیح می‌دهد:

(۱) ادراکی-شناختی اسلامی،

(۲) سوسیالیستی،

(۳) تاریخی،

(۴) پست مدرن،

(۵) ناسیونالیسم عراقی.

## ۲-۲. مبانی نظری

### ۲-۲-۱. منطق شناختی-ادراکی

«ادراک» سازوکاری فرایندی است که مربوط به نحوه جمع‌آوری اطلاعات و نحوه اعضای حسی است (عابدی و حنایی، ۱۴۰۱: ۱۵۹). این فرایند ذهنی و روانی، انتخاب و سازمان‌دهی اطلاعات حسی و انطباق آن با معانی را به انجام می‌رساند (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۵: ۳۱). شناخت به معنای آگاهی، بینش و معرفت در تفسیر و تحلیل اطلاعات حسی می‌باشد که مشتمل است بر؛

(۱) سازوکار درونی فرآیند و نحوه تأثیر تجارب پیشین،

(۲) عوامل روان‌شناختی مانند شخصیت درون‌نگر یا برون‌نگر،

(۳) انگیزه‌ها،

(۴) ارزش‌ها. (شاه‌چراغی، ۱۳۸۸: ۴).

با این تفاسیر، منطق شناختی-ادراکی را می‌توان «سازوکاری فرایندی» برای امور زیر دانست:

الف. جمع‌آوری اطلاعات حسی،

ب. تفسیر،

پ. تحلیل اطلاعات.

### ۲-۲-۲. پست‌مدرنیسم

«پست‌مدرنیسم» مجموعه پیچیده و متنوعی از اندیشه‌ها، آراء و نظریه‌هایی است که در انتقاد به مدرنیته و در اواخر دهه ۶۰ میلادی ظهور کرد. بسیار سخت است بتوان از پست‌مدرنیسم تعریف خاص و مشخصی ارائه کرد. گفته می‌شود که «پساتجدد گرایی... در مقابل تعریف، مقاومت می‌کند» و یا اینکه این مفهوم «بیشتر بر اساس نفی تجدد تعریف

می‌شود تا انسجام درونی خود آن» (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۲۵۲). به همین دلیل، بیشتر آن را بر اساس ویژگی‌های آن تعریف می‌کنند.

نگرش پست‌مدرن متأثر از ماهیت خاص شناخت و روش‌شناسی آن، بر اصالت تفاوت تأکید می‌کند و نتیجه آن نوعی آشفتگی است؛ چراکه در فضایی عاری از اصالت به سر می‌بریم که هویت‌های پیرامونی تجویز شده، مخدوش هستند؛ از این رو، نگرش پست‌مدرن به شدت ساخت‌شکنانه است. به‌عنوان مثال، تعریف هویت از منظر علوم اثباتی برگرفته از غلبه مناسبات سلطه‌گرانه است. پس رسالت پست‌مدرن‌ها درهم شکستن قواعد فوق و به‌ویژه روایت مدرن است که تحریف‌آمیزترین روایت‌ها تلقی می‌شود (نصری، ۱۳۸۵: ۹-۱۲). لازم به ذکر استریال پست‌مدرن‌ها برخلاف تفکرات مدرنیستی گرایش به ارائه تصویرهای کلی از پدیده‌های جهان و استفاده از اصل تعمیم‌پذیری در مورد رویدادها را ندارند (سجادی، ۱۳۷۹: ۵۳-۵۴).

### ۲-۳. چارچوب نظری

#### ۲-۳-۱. برساخت‌گرایی اجتماعی

«برساخت‌گرایی اجتماعی» رویکردی به علوم اجتماعی و ذیل آن، علوم سیاسی است که از طبیعتی بین‌رشته‌ای برخوردار است و از رشته‌هایی چون: جامعه‌شناسی، فلسفه و زبان‌شناسی در درون خود بهره می‌برد (لاکلا و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۶۴-۲۶۵). این رویکرد نگاهی برساختی به دنیای پیرامون دارد. به عبارتی، پدیده‌ها را اموری برساخته می‌داند که در جریان کنش متقابل بین‌ذهنی شکل می‌گیرند (سلیمی، ۱۳۸۶: ۳۴). این نگاه متأثر از هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی پس‌پست‌مدرنیسم است که هم از نگاه‌های اثبات‌گرایانه، جزمیت‌گرا و کلیت‌گرای مدرنیته گذر می‌کند و هم چندان نسبت‌گرایی پست‌مدرنیسم را نمی‌پذیرد (مجتهدی زنجیرآباد و عیوضی، ۱۳۹۷: ۱۸۱).

بر این اساس، برساخت‌گرایان اجتماعی واقعیت، امور را ذهنی قلمداد می‌کنند که برآمده از مجموعه‌ای از احکام، قواعد، انگاره‌ها، هویت‌ها و امثال آن است. این مفاهیم در فضای مکانی و زمانی مشخصی تدوین یافته‌اند و از فرایندهای مختلفی تأثیر پذیرفته‌اند تا



به فرم و ساخت فعلی برسند (رشیدی، ۱۳۹۰: ۱۲۷). برساخت‌گرایی در مورد بازیگران معتقد به سرشت اجتماعی آن‌هاست. به این معنا که تعاملات، هنجارها و ارزش‌ها، رویه‌ها، ایدئولوژی، باورهای اصولی، فرهنگ و ایده‌های نهادهای هستند که هویت را قوام می‌دهند (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۷۹-۱۸۲). باید توجه داشت که بر اساس این رویکرد، تغییر و اثرپذیری امری ایستا نیست بلکه به‌طور مداوم در حال بازتولید و دگرگونی است؛ از این نظر، جهان در حال شدن است (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۱۴). در این راستا، «کوبالکوا» معتقد است جهان یک پروژه «برساختن بی‌پایان» است که در آن، این امر از طریق ادراکات و تلقی‌های زمینه‌مند ایجاد می‌شود (کوبالکوا، ۲۰۱۶: ۵۶-۷۲).

این ادراکات در زمان و مکان‌های مختلف، تصورات و انگاره‌هایی را می‌سازند که هویت افراد و گروه‌ها در گرو آن‌ها می‌باشد (کوبالکوا، ۲۰۱۶: ۴۲). این هویت‌ها برساخت کنش اجتماعی را انجام می‌دهند (پرایس و رئوس اسمیت، ۱۳۸۵: ۵۱۹). به دیگر سخن، کنشگران دارای هویت، بر اساس مجموعه تصورات و انگاره‌هایی که از جهان بیرون دارند، اقدام به کنشگری می‌کنند و در جهت کسب منافع برآمده از این انگاره‌ها و هویت‌ها حرکت می‌نمایند (رشیدی، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

### ۲-۳-۲. نظریه سازه‌انگاری روان‌شناسانه

یکی از نظریاتی که ذیل برساخت‌گرایی و سازه‌انگاری مطرح می‌شود نظریه "سازه‌انگاری روان‌شناسانه" «ریچارد ند لیبو»<sup>۲</sup> است. وی نظریه‌پرداز نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل است. نظریه وی را می‌توان رویکردی انسان‌شناسانه به فرهنگ به شمار آورد که نگاه جزم‌اندیشانه و جوهرگرایانه نظریاتی چون برخورد تمدن‌های هانتینگتون را نسبت به فرهنگ ندارد (عطائی و واسعی‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۹).

«لیبو» در نظر دارد با استفاده از مفروضاتی درباره محرک‌های انسانی به تفسیر جهان پردازد. وی با پیروی از اندیشمندان یونانی چون افلاطون، ارسطو، توسیدید و امثال آن‌ها،

1. Kubalkova

2. Richard Ned Lebow

«خرد»<sup>۱</sup>، «شرافت یا افتخار»<sup>۲</sup> و «شهوت یا منافع»<sup>۳</sup> را در کنار ترس به عنوان مفاهیم بنیادینی که ابژه‌ها یا اهداف متمایزی دارند، مفروض می‌گیرد و آن‌ها شکل‌های متمایزی از رفتار را پدید می‌آورند (لیبو، ۲۰۰۹: ۲۶-۲۷).

لیبو با عنایت به این سه عنصر، «خرد» را بالاتر از دو میل دیگر قرار می‌دهد اما منافع و شرافت را هم‌عرض یکدیگر می‌داند (لیبو، ۲۰۰۹: ۶۲). از این رو، در بین موارد ذکر شده، شرافت و منزلت کمتر از منافع دارای اهمیت نیست و به همین جهت نباید نگاهی تک‌بعدی به انگیزه‌های انسانی داشت (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۱۷۱)؛ چراکه به اعتقاد وی، افراد چه به صورت فردی و چه گروهی در طی تاریخ به دنبال آن بودند تا بتوانند عزت نفس کسب کنند. به بیان ساده‌تر، عزت نفس نوعی حس خودشایستگی است که باعث می‌شود افراد احساس خوشبختی بیشتری در مورد زندگی خود داشته باشند (لیبو، ۲۰۰۹: ۶۱). با این تفاسیر، بر این اساس است که افراد در پی کسب هویت می‌روند. آن‌ها در پی پیوستن به گروه‌ها و نهادهای بالاتر هستند تا بدین منظور به حفظ یا ارتقا عزت نفس و احترامی که خود را لایق آن می‌دانند اما از آنها مضایقه شده، اقدام ورزند (لیبو، ۲۰۰۹: ۱۵-۱۶).

باید توجه داشت در نگاه برساخت‌گرایانه لیبو، منزلت و اعتبار یک برساخته اجتماعی است؛ در نتیجه لیبو ضمن اشاره به جهان‌شمول بودن آن (لیبو، ۲۰۰۹: ۶۱)، بر تفاوت معیارهای موجود میان زمان‌ها و مکان‌های مختلف تأکید می‌کند. بدین جهت، هریک از موارد زیر می‌توانند نمونه‌ای از منزلت در یک جامعه تلقی شود:

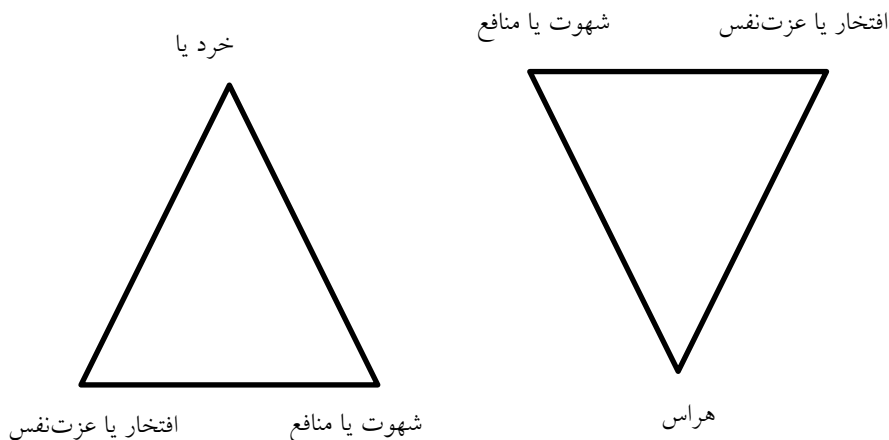
(۱) قدرت،

(۲) ثروت،

(۳) حقوق بشر،

(۴) ارزش‌های دینی، قومی و زبانی (بالازاده، اشرفه و بارانی، ۱۳۹۴: ۷۸).

1. Reason
2. Honor/spirit
3. Appetite/intrests
4. Lebow



شکل شماره ۲. مدل جامعه یا جهان باثبات

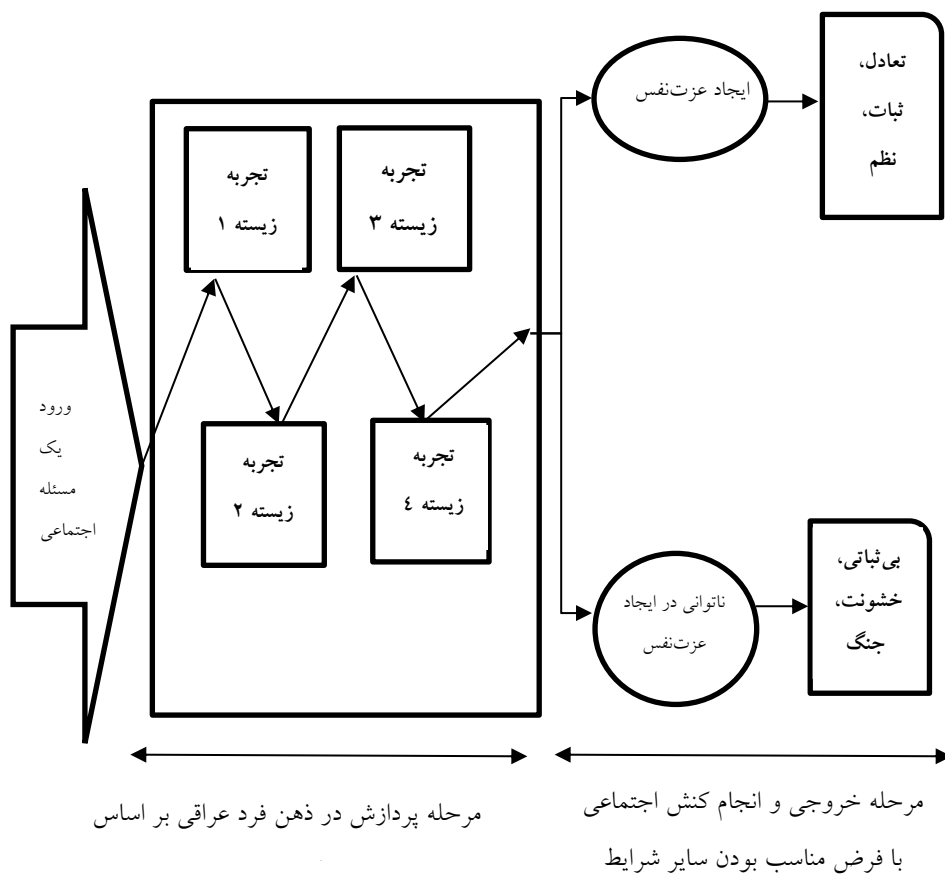
نظریه لیبو (لیبو، ۲۰۰۹: ۵۱۲)

شکل شماره ۱. مدل جامعه یا جهان هراس‌پایه

نظریه لیبو (لیبو، ۲۰۰۹: ۵۱۲)

با این تفاسیر، لیبو معتقد است عدالت و نظم که جزء موارد قانونی مورد بحث اوست، زمانی پدید می‌آید که چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی تعادل میان این قوای سه‌گانه ایجاد شود، با این شرط که عقل بر دو بخش دیگر غلبه داشته باشد (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۱۷۱). با عنایت به این نظر و با توجه به شکل (۱) هرچه جامعه‌ای نزدیک‌تر به رأس خود یعنی خرد باشد منظم‌تر خواهد بود؛ اما زمانی که خرد کنترل خویش را بر دو قوه دیگر از دست می‌دهد یا یکی از آن دو میل از تعادل خارج می‌شود نیز احتمال تغییر، به سمت جهان هراس‌پایه همان‌طور که در شکل شماره (۲) قابل مشاهده است، افزایش می‌یابد (لیبو، ۲۰۰۹: ۵۰۸-۵۱۲). این موضوع باعث به وجود آمدن وضعیت بی‌نظمی، خشونت و حتی جنگ می‌شود.

بر این اساس ارائه چارچوب تحلیلی-شناختی از جامعه عراق امروز بر اساس این نظریه بدین نحو قابل اعمال خواهد بود که مردم عراق بر اساس تجربه زیسته‌ای که طی



شکل شماره ۳. مدل مفهومی پژوهش (نگارندگان، ۱۴۰۲)

یکصدساله اخیر و بعد از ایجاد عراق، پس از قرارداد سایکس-پیکو<sup>۱</sup> به دست آورده‌اند نگاهی خاص و ویژه را نسبت به هر مسئله خواهند داشت. هریک از این نگاه‌ها یا تجارب

زیسته در ذهن مخاطب عراقی، لزوماً دربردارنده سطح مشخصی از تأثیرگذاری نیستند؛ بلکه میزان آن ممکن است که از شخصی به شخص دیگر متفاوت باشد.

ورود یک مسئله به دستگاه ذهنی جامعه عراق با مختصات ذکرشده و پردازش انجام‌شده به‌وسیله این مؤلفه‌ها روی آن، باعث می‌شود تا درنهایت یک خروجی که مبنای کنش است به فرد داده شود. بر اساس نظریه فرهنگی ریچارد ند لیبو، اگر این خروجی باعث حفظ یا ارتقای عزت‌نفس در میان مردم عراق شود، ممکن است با فرض مناسب بودن سایر شرایط، تعادل ایجاد شود؛ در غیر این صورت، اتفاقی که می‌افتد بروز نارضایتی، خشونت و جنگ در برابر آن پدیده است.

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. این روش بیشتر برای توصیف پدیده‌ها، حوادث و واقعیات موجود در سطوح گوناگون محیط بین‌الملل کاربرد دارد و اغلب در راستای اصلاح مشکلات ساختاری زمینه‌های مطالعه شده مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. در نتیجه نباید از آن انتظار کشف روابط علی-معلولی پدیده‌ها، پیش‌بینی وقایع آینده و یا علت‌کاوی رخداد‌های گذشته را داشت. با این وجود، برنامه‌ریزی و هدایت موفقیت‌آمیز فعالیت‌های سیاسی و بین‌المللی همواره در گرو این نوع پژوهش‌ها است.

در پژوهش توصیفی، پژوهشگر می‌کوشد تا گزارشی جامع و بدون استنتاج ذهنی از «هست‌ها» ارائه دهد و نتایج عینی را از واقعیات موجود به دست آورد. به همین خاطر، نتیجه‌گیری باید با احتمال بیان گردد و نه به صورت قطع و یقین؛ زیرا نتایج تنها از اطلاعات موجود حاصل می‌شود. این پژوهش‌ها در سه قالب بررسی، نگرش‌سنجی و مطالعه موردی صورت می‌گیرد. در مدل مطالعه موردی که مقصود ما در این تحقیق است، پژوهشگر سعی دارد به فهم جامعی از نحوه وقوع یک رویداد یا کیفیت عملکرد یک پدیده نائل آید و تصویری کامل و سازمان‌یافته از واحد مورد مطالعه خود ارائه دهد.

در این تحقیق، برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای شامل اسناد و مدارک مرتبط با موضوع، مقالات علمی، کتاب‌های معتبر در این حوزه، منابع اینترنتی در کنار مصاحبه‌های مرتبط موجود از اشخاص نزدیک به موضوع مورد پژوهش استفاده شده

است. از آنجایی که این مقاله در پی ارائه الگویی برای تحلیل ادراکی شناختی مردم عراق است و به تحلیلگران و متخصصان این حوزه امکان شناخت بهتر موضوعات را می‌دهد، این تحقیق از نوع کاربردی است.

#### ۴. یافته‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌ها

##### ۴-۱. مسئله اشغال به مثابه یک امر اجتماعی

اشغال کشور عراق در سال ۲۰۰۳م. به وسیله نیروهای ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده آمریکا در سایه شعارهایی مانند مبارزه با بنیادگرایی اسلامی و تروریسم، خلع سلاح کشتار جمعی رژیم صدام حسین، آزادی مردم عراق از ظلم و ستم رژیم بعث و اعطای دموکراسی به مردم این کشور صورت گرفت. «بوش» رئیس‌جمهور وقت آمریکا در سخنرانی خود، لحظاتی پیش از این حمله در این باره چنین می‌گوید:

«هدف از اجرای این عملیات؛ خلع سلاح عراق، آزاد ساختن مردم و حفظ دنیا از یک خطر بزرگ است. به دستور من، نیروهای ائتلاف حمله به نقاط حساس نظامی را آغاز کرده‌اند تا امکان جنگ‌افروزی را از صدام حسین بگیرند... ما به احترام شهروندان عراقی، تمدن بزرگ و اعتقادات دینی‌شان به عراق می‌آییم. ما هیچ‌گونه خواسته‌ای در عراق نداریم جز این‌که تهدیدی را از میان برداریم و کنترل آن کشور را به مردمانش بازگردانیم... ما از آزادی خود دفاع می‌کنیم و برای دیگران نیز آزادی به ارمغان می‌آوریم» (بوش، ۲۰۰۳).

آنچه که بوش پسر به مردم عراق وعده داده بود، پس از تصرف عراق ایجاد نشد. مردم این کشور علاوه بر اینکه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که رئیس‌جمهور آمریکا قول آن را داده بود، نتوانستند به موفقیتی دست یابند بلکه در آن دچار مشکلات عدیده‌ای نیز گشتند و این موارد، زندگی اجتماعی آنها را تحت تأثیر قرار داد. از جمله این اثرات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- (۱) تعداد کشته‌ها و زخمی‌های این جنگ که برخی آمار تا بیش از یک میلیون نفر گزارش می‌دهند (ورگانو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳)،
- (۲) آوارگی تعداد زیادی از مردم (واین<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱: ۱۸)،
- (۳) آسیب دیدن اقتصاد و زیرساخت‌های اقتصادی (شوارتز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸: ۳۶)،
- (۴) افزایش معضلات فرهنگی،
- (۵) افزایش معضلات امنیتی.

به نظر می‌رسد علاوه بر مسائل ذکر شده، عراقی‌ها ضمن از دست دادن عزت و احترام خود به واسطه اشغال کشور خود و دستگیری و اعدام رهبرشان- نه به دست مردم خود بلکه به پشتوانه دستورات آمریکایی‌ها- آن افتخار عرویت را که نماد یک انسان عرب در خاورمیانه است در معرض تهدید مشاهده کردند. «بشری خلیل»، وکیل صدام حسین در هنگام محاکمه وی در سال‌های اشغال تا زمان مرگ او، به‌عنوان یک نظاره‌گر بیرونی این‌طور خدشه‌وارد کردن به احساسات یک عرب را در هنگام دستگیری و اعدام رئیس‌جمهور عراق تفسیر می‌کند:

«این شیوه [تحقیر ملت‌ها] شیوه همیشگی آمریکایی‌هاست. مشاهده‌حالتی که آن‌ها صدام را نشان دادند، تو را و او می‌دارد تفکر جهنمی آمریکایی‌ها را بشناسی. آنها در واقع وجهه باشکوه و با ابهت شخصی را که زمانی بر صفحه تلویزیون‌ها ظاهر می‌شد و مردم عاشق تصویرش بودند<sup>۴</sup> را خرد کردند. صدامی که با قدرت و شکوه و عظمت خاصی در تلویزیون ظاهر می‌شد، اکنون آنها در این حالت و با این ذلت او را نشان می‌دهند و با سر و موهای او بازی می‌کنند تا او را نابود سازند و اعتمادبه‌نفس ما را به‌عنوان یک ملت «عرب‌زبان» زیر پا خرد کنند. آن لحظه، گویی ما نابود شدیم. یک ملت عرب را به‌طور کامل در آن لحظه نابود کردند» (خلیل، ۱۳۹۹).

مصاحبه‌ای که بعد از اشغال این کشور از برخی عراقی‌ها نیز گرفته شده است نمایانگر صحت ادعای بالا است. یکی از پاسخ‌دهندگان در این باره ضمن محکومیت اشغال، با

1. vergano
2. Vine
3. Schwartz

۴. این تصویر به‌خصوص برای دوران پیش از جنگ کویت قابل تصدیق است (کاگلین، ۱۴۰۰).

عصبانیت به حمایت از صدام می‌پردازد و می‌گوید: «صدام ممکن است هزاران غیرنظامی را کشته باشد اما [نکته‌ای که وجود دارد این است که] صدام یکی از ما بود [و نه یک خارجی]» (لیبو، ۲۰۰۹: ۴۷۶).<sup>۱</sup>

نظرسنجی‌هایی که از سال ۲۰۰۳م. در اندیشکده‌های غربی انجام شد کاملاً مؤید این نگاه هست که مردم عراق به دلیل اثراتی که اشغال در عرصه زندگی روزمره آن‌ها در ابعاد مختلف گذاشته است، چندان موافق اشغال و حتی حضور این نیروهای مداخله‌گر به‌عنوان حامی در عرصه سیاسی نبوده‌اند. بدین منظور، بر اساس نظرسنجی انجام‌شده توسط سازمان (ا.آ.بی. بین‌المللی)<sup>۲</sup> نیز ۵۱ درصد از کسانی که با آن‌ها مصاحبه شده، برخلاف نظر جورج بوش معتقد بودند آمریکایی‌ها برای دزدیدن منابع طبیعی آنها به این کشور آمده‌اند. این در حالی است که تنها ۱۱ درصد معتقد بودند که آنها به جهت مبارزه با تروریسم و ایجاد دموکراسی پا به عراق گذاشته‌اند. همچنین ۵۵ درصد از مردم حضور ائتلاف بین‌المللی را در این کشور در طی دو دهه اخیر بسیار منفی ارزیابی نموده‌اند (ا.آ.بی. اینترنشنال، ۲۰۲۲).<sup>۳</sup> سایر نظرسنجی‌های انجام شده نیز بر این ادعا مهر تأیید می‌زنند.

مطابق با نظرسنجی که با حمایت بنیاد ملی علوم آمریکا به‌وسیله «مارک تسلا» در ۱۶ استان از ۱۸ استان عراق در سال ۲۰۰۵م. صورت گرفت، تقریباً ۹۳ درصد از اهل سنت و ۷۹ درصد از شیعیان مخالف حضور آمریکا در عراق بودند (تسلر، ۲۰۰۵). همچنین در سپتامبر ۲۰۰۶م.، یک نظرسنجی افکار عمومی توسط برنامه نگرش‌های سیاست بین‌المللی (PIPA) در دانشگاه مریلند انجام شد (برنامه نگرش‌های سیاست بین‌المللی، ۲۰۰۶) که بر اساس این نظرسنجی، ۷۱ درصد از عراقی‌ها می‌خواستند دولت آن‌ها درخواست خروج نیروهای خارجی در مدت یک سال یا کمتر را داشته باشد (همان).

۱. نویسندگان نافی وجود دیدگاه‌هایی مخالف در این حوزه نیستند؛ بلکه این نمونه‌ها صرفاً مثالی از بخش‌های دیگری از جامعه عراق است.

2. ORB International
3. ORB International
4. Tessler
5. Program on International Policy Attitudes



نظرسنجی دیگری توسط مرکز تحقیقات و مطالعات استراتژیک عراق در نوامبر ۲۰۰۶م. انجام شد که نتایج مشابهی را به همراه داشت و نشان داد تقریباً ۶۶ درصد از پاسخ‌دهندگان فکر می‌کنند در صورت خروج نیروهای آمریکایی، وضعیت امنیتی بهبود و خشونت کاهش می‌یابد (مرکز تحقیقات و مطالعات استراتژیک عراق، ۲۰۰۶: ۱۳).

## ۲-۴. مبانی شناختی ادراکی مردم عراق در موضوع اشغال

بررسی و شناخت پدیده‌ها در جوامع مختلف به‌خصوص جامعه عراق نیازمند بررسی گفتمان‌ها، رویکردهای حاضر و مبانی شناختی ادراکی در میان مردم است. جامعه عراق به دلیل حضور گروه‌های مختلف زبانی، دینی و قومی با تفکرات و اندیشه‌های گوناگونی در درون خود روبرو است. به همین خاطر، لازم است تا به جهت فهم پدیده‌ها از دید جامعه عراق و بالطبع کنش آنها، این مبانی شناختی و ادراکی احصا شود.

بر این اساس و با توجه به بررسی‌های انجام شده پژوهشگران این تحقیق، به نظر می‌رسد مبانی شناختی ادراکی مردم عراق که قابل بسط در موضوع اشغال نیز می‌باشد و اصولاً مردم این کشور در مواجهه با یک مسئله بیرونی از این ابعاد به آن موضوع نگاه می‌کنند، در پنج حوزه قابل احصاء باشد. این موارد عبارت‌اند از:

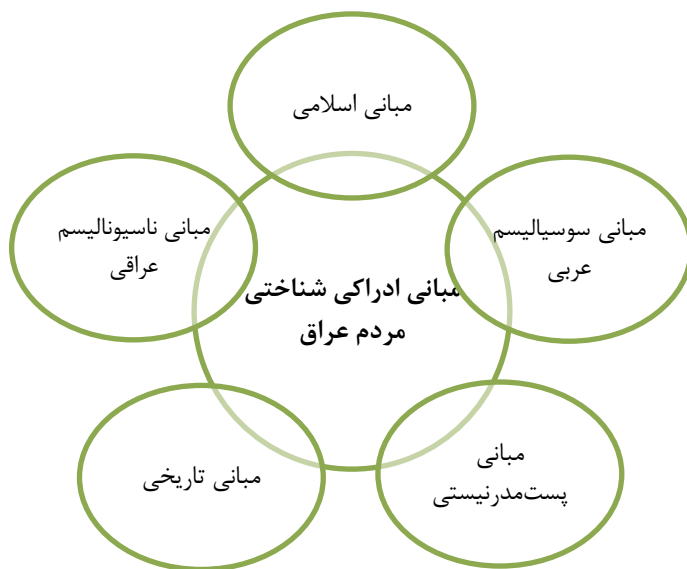
(۱) مبانی شناختی ادراکی اسلامی،

(۲) منابع شناختی-ادراکی ناسیونالیسم عراقی،

(۳) منابع شناختی-ادراکی سوسیالیستی،

(۴) منابع شناختی-ادراکی تاریخی،

(۵) منابع شناختی-ادراکی پوزیتویستی.



شکل شماره ۴. مبانی ادراکی-شناختی مردم عراق

#### ۱-۲-۴. مبانی شناختی-ادراکی اسلامی در موضوع اشغال

عراق در سال یازدهم هجری و در زمان حکومت خلیفه اول توسط سپاه مسلمانان فتح شد و اسلام وارد این مرزوبوم گردید. این کشور از آن زمان میزبان بسیاری از حکومت‌های مسلمانان در تاریخ بوده است. کوفه و بغداد جزو پایتخت این دولت‌ها به شمار می‌رفته است. در این مدت، اسلام به‌مرور به‌عنوان جزئی از هویت مردم عراق شناخته می‌شده و در حوادث و رویدادهای مختلف و مهم حیات عراقی‌ها نقش بسیار مهمی را اجرا می‌کرده است.

از این رو، اسلام نقش مهمی را در آرا و اعتقادات عراقی‌ها ایفا کرده است. یکی از این موارد که جزو اصول و قواعد اصلی مسلمانان شناخته می‌شود مخالفت با اشغال و اشغالگری است. دین اسلام به‌طور جدی به مخالفت با این موضوع برخاسته است. اگر این اشغال از جانب ملل غیرمسلمان علیه مسلمانان انجام شود نوع واکنش و مخالفت اسلام به مراتب جدی‌تر خواهد بود. این مسئله به‌گونه‌ای است که آیات متعددی در قرآن کریم و درباره نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری از جانب بیگانگان مورد اشاره واقع شده است که

از جمله آن‌ها می‌توان به آیات «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا» (حج/۳۹) که به لزوم مبارزه با ظالمان، سلطه‌گران و نفی سلطه‌پذیری به اذن خدا می‌پردازد، «قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (اعراف/۴۷) که به نهی از تکیه بر ظالمان و ستمگران اشاره دارد و یا امثال آن اشاره کرد. با عنایت به موارد مذکور، بررسی موضوع نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌گری در نگام اسلام و نسبت آن با اشغال را می‌توان در قالب قواعد زیر مورد بررسی و تحلیل قرار داد (رجایی‌پور، خالقی بایگی و احمری، ۱۳۹۸: ۱۵۹-۱۷۹):

#### ۱-۱-۲-۴. قاعده نفی ظلم

این قاعده که بر اساس آیه «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (سوره بقره) است، یک قاعده و اصل کلی می‌باشد که ساختار ایمان، عقیده و زندگی یک فرد مسلمان را در ارتباط با مسلمانان و حتی بیگانگان بر این پایه قرار می‌دهد تا این‌که؛

(۱) عملی ظالمانه از وی سر نزنند،

(۲) سلطه‌گر نباشد،

(۳) زیر بار سلطه و اشغال دیگران نرود،

(۴) با ظلم و ظالم مبارزه نماید (رجایی‌پور، خالقی بایگی و احمری، ۱۳۹۸: ۱۵۹-۱۷۹).

#### ۲-۱-۲-۴. قاعده نفی سبیل

قاعده نفی سبیل یکی از قواعد مهم در فقه سیاسی به شمار می‌رود. این قاعده که مبنای بسیاری از فتاوی علمای بزرگ شیعه در چند قرن اخیر مانند فتوای جهاد با روس‌ها و انگلیس‌ها، فتوای کفر کمونیست در عراق، فتوای تحریم انتخاب فیصل پسر حسین (شریف مکه) در عراق و... بوده است بر مبنای آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا: ... و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.» (نساء/۱۴۱) می‌باشد. مطابق با این آیه، هرگونه امور زیر حرام است:

(۱) پذیرش سلطه،

(۲) اشغال توسط کافرین و اهل کتاب بر مؤمنان در تمامی حوزه‌ها اعم از؛

■ حوزه سیاسی،

- حوزه فرهنگی،
- حوزه اجتماعی،
- حوزه اقتصادی و... (رحمانی، ۱۳۸۲).

#### ۳-۱-۲-۴. حدیث **أَبَا سَلَامٍ يُعَلِّمُ وَعَلُوٌّ وَلَا يُعَلِّي عَلَيْهِ**

حدیث «اسلام همچنان به برتری می‌رود، و هیچ دینی بر آن برتر نمی‌شود» از احادیث نبوی می‌باشد که در اثبات قاعده نفی سبیل نیز مورد استفاده فقها قرار می‌گیرد (شیخ صدوق، ۱۳۴۳: ۳۳۳). طبق این حدیث، اسلام همیشه دارای علو و برتری بر دیگران است و هیچ دینی بر آن تسلط نخواهد یافت. بنابراین این‌طور می‌توان از این حدیث برداشت کرد که مسلمانان نباید بگذارند که پیروان هیچ دینی بر آنها علو و برتری پیدا کند. بر این اساس اشغال یک کشور مسلمان به وسیله اهل کتاب و کفار کاملاً برخلاف تعالیم اسلامی می‌باشد.

#### ۴-۱-۲-۴. آیه **لَنْ تَرْضَى**

مطابق با آیه «وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنَّ آتَابِعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» یهودیان و نصرانی‌ها از مسلمانان راضی نخواهند شد تا زمانی که مسلمانان به دین و آیین آنها درآیند.

این موضوع نشان‌دهنده روحیه باطل سلطه‌گری و تمامیت‌خواهی اهل کتاب می‌باشد. مقابله با سلطه‌گری‌های بیگانگان در تاریخ کشورهای اسلامی و به‌خصوص عراق به‌عنوان کشوری که غالب مردم آن شیعه هستند، بسیار متعدد و مشهود بوده است. از جمله این مقابله‌ها و مبارزات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- (۱) ثورة العشرین (مبارزه با انگلیس برای بیرون راندن آن‌ها از کشور)،
- (۲) تحریم انتخابات فیصل پسر شریف حسین که طی آن انگلیسی‌ها خواستار ایجاد یک حکومت تحت‌الحمایه خود به‌وسیله رژیم عربی بودند،

- (۳) حکم کفر کمونیسم توسط آیت‌الله محسن حکیم به جهت مبارزه با نفوذ کافران و عقاید الحادی در بین مردم عراق،
- (۴) مخالفت با اشغال سرزمینی به‌وسیله آمریکا توسط آیت‌الله سیستانی (سیستانی، ۲۰۰۳).

#### ۲-۲-۴. مبانی شناختی- ادراکی ناسیونالیسم عراقی در موضوع اشغال

تاریخ ناسیونالیسم عراقی بسیار متنوع و شطرنجی است (فرانزن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱: ۲۱۷). این موضوع از نظر تاریخی پدیده‌ای جدید می‌باشد که اساساً پس از تشکیل حکومت پادشاهی فیصل ظاهر شده و در طی سده گذشته در هویت جامعه عراقی ریشه دوانیده است (باتتن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸: ۶۳۱-۶۳۵).

عراق کشوری دارای سابقه تمدنی بسیار زیاد است و از بسیاری از کشورهای که تنها چند قرن است کشف شده‌اند از عقبه بیشتری برخوردار است. این تمدن بزرگ در منطقه بین‌النهرین یا میان‌رودان قرار دارد که در بین دو رود دجله و فرات به وجود آمده است. امروزه بخش عظیمی از این منطقه را کشور عراق تشکیل داده و در این منطقه تمدن‌های بزرگی مانند آکاد، سومر، آشور و بابل و پادشاهان بزرگی چون حمورابی از سلسله بابلی‌ها حکومت کرده‌اند. از این حکومت‌ها و تاریخ دیرینه عراقی کارهای بزرگی چون ایجاد قانون در تاریخ به جای مانده است. بغداد، پایتخت این روزهای عراق، بیش از نیم قرن پایتخت حکومت عباسیان بوده و در اوج شکوه و رشد علمی قرار داشته است (اکبری، ۱۳۹۹: ۱۵).

عراق به‌طور پیوسته در حال جابه‌جایی میان حکومت‌های مختلف بوده است تا اینکه در نهایت و در دوران امپراتوری عثمانی، پس از درگیری‌هایی که بین حکومت صفویه با این امپراتوری به وجود آمده بود، بغداد به تسلط کامل عثمانی‌ها درآمد و تا سال‌ها تحت حکومت آن‌ها بود. با بروز جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی این کشور به قیومیت انگلیس درآمد. پس از قیام‌هایی که در سال ۱۹۲۰م. توسط مردم عراق رخ داد

انگلستان ناچار شد در سال ۱۹۲۱م. فیصل پسر حسین شریف مکه را که در شکستن مقاومت عثمانی‌ها در جنگ جهانی اول بسیار به انگلیس کمک کرده بود، به‌عنوان پادشاه جدید عراق قرار دهد (اکبری، ۱۳۹۹: ۱۵).

قرار گرفتن تحت حکومت‌های مختلف باعث شده تا هویت واحدی در میان مردم این کشور تا زمان حکومت پادشاهی در این کشور شکل نگیرد؛ چراکه مردم عراق خود را جزئی از حکومت‌های سابق می‌دانستند. پس از این دوران تا سال ۲۰۰۳م. نیز حکومت‌های وقت تلاش کردند تا هویت مخصوص و دلخواه خود را در این کشور ایجاد کنند که این موضوع با موفقیت همراه نبود و مردم، عراقی بودن را به معنای مدرن آن تجربه نکردند (بنگرید به: فرانزن، ۲۰۱۱). البته در این موضوع باید تأثیرات مدرنیته را در نظر گرفت.

قومیت، فرقه‌گرایی و شکاف‌های حاصل از آن یکی از مسائلی می‌باشد که باعث گردید تا هویت واحدی به‌خصوص تا سال ۲۰۰۳م. به درستی شکل نگیرد (ریرا، ۲۰۰۸: ۱۸۳-۱۸۶). با ورود آمریکا به عراق و اشغال این کشور به دست ائتلاف بین‌المللی و سپس اداره عراق توسط ایالات متحده در سال‌های ابتدایی و همچنین حفظ استمرار نفوذ آمریکا در این کشور، شکاف‌های هویتی و قومی نسبت به گذشته افزایش پیدا کرد که این را می‌توان ناشی از عدم شناخت کامل از بافت جامعه این کشور یا وجود نقشه آمریکا برای تسلط بر آن دانست (افشون، ۱۳۹۹: ۸۶).

افزایش شکاف‌های قومی - قبیله‌ای باعث گردید درگیری‌های مذهبی - قومی بین مردم عراق افزایش پیدا کند و باعث شود وحدت ملی و ناسیونالیسم در میان آنها تضعیف شود. نمونه بارز این موضوع را می‌توان در میان کردهای عراق مشاهده کرد. با تصویب ساختار فدرالیسم در قانون اساسی، کردها زیر نظر دولت اقلیم کردستان به‌عنوان ایالتی جزء عراق قرار گرفتند که این موضوع باعث شد با گذشت زمان در میان کردهای عراق، هویت کردی رنگ‌وبوی بیشتری نسبت به هویت عراقی شکل بگیرد. این در صورتی بود که تا پیش از

جنگ جهانی اول، کردها علاقه‌ای به استقلال نداشتند (اوزوگلو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱: ۳۹۹) و این استقلال‌طلبی که نمود بارز آن را در همه‌پرسی استقلال کردستان از کشور عراق در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷م. می‌توان دید با تهاجم آمریکا و انگلیس به عراق و متعاقب آن سرنگونی صدام حسین تقویت شده است (فرانزن، ۲۰۱۱: ۲۱۹).

کاهش وحدت ملی و افزایش درگیری‌ها در کنار تصمیمات اشتباهی که باعث انحلال ارتش شد، عاملی بود تا فضای نامنی، بحران اقتصادی و سیاسی در این کشور ایجاد شود؛ همچنین ضعف‌های هویتی باعث گردید آمریکا بتواند از این فضا با استخراج نفت، تسلط بر فضا و شخصیت‌های سیاسی و اقتصادی و... استفاده خود را ببرد. از آنجایی که با گسترش نامنی و شرایط نامساعد اقتصادی حواس مردم از این مسائل دور می‌گردد، سلطه‌گری آمریکا بر منابع مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی عراق نیز راحت‌تر می‌شود. تشدید این شکاف‌ها همچنین سبب شد تا مردم عراق نتوانند یک دیگر هویتی جدید به مانند نقشی که دولت‌های امپریالیستی آمریکا و انگلیس در دوران قبل از سال ۲۰۰۳م. ایفا می‌کردند برای خود پس از تشکیل ساختار جدید سیاسی انتخاب کنند.

با این وجود، به نظر می‌رسد تلاش‌هایی که طی یک سده اخیر انجام شد، رگه‌هایی از ملی‌گرایی به‌خصوص میان جوانان عراقی را ایجاد کرده است (فرانزن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱: ۲۳۱-۲۳۲). ملی‌گرایی به وجود آمده ممکن است از گروهی به گروه دیگر و از قومی به قوم دیگر با توجه به شرایط فرقه‌گرایانه فعلی متفاوت باشد. پژوهشگران این تحقیق بر این عقیده هستند که این ناسیونالیسم به دلیل حضور بازیگران خارجی در این کشور و آسیب وارد شدن به عزت ملی در دوران پساشغال افزایش یافت که نمونه‌های آن را می‌توان در حوادث و جنبش‌های ایجادشده اخیر مشاهده کرد. از جمله این مثال‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد که مؤید این ادعا می‌باشد:

(۱) پیروزی جریان صدر با نگاه‌های ملی‌گرایانه در انتخابات ۲۰۱۸م. و ۲۰۲۱م. که شعار «لا شرقیه و لا غربیه» را در انتخابات ۲۰۲۱م. اتخاذ کرده بود،

(۲) به وجود آمدن جنبش تشرین در شهرهای شیعه و کرد که نگاه‌های بیگانه‌ستیزانه داشتند (متی، ۱۳۹۹: ۱۵۷-۱۵۸)،

(۳) مخالفت‌های عراقی‌ها در نظرسنجی‌های مختلف درباره حضور کشورهای خارجی (أ. آربی ایترنشال، ۲۰۲۲). به همین خاطر به نظر می‌رسد مردم عراق مخالف اشغال و حضور آمریکایی‌ها در عراق باشند.

### ۳-۲-۴. منابع شناختی - ادراکی سوسیالیستی در موضوع اشغال

یکی دیگر از منابع شناختی و ادراکی مردم عراق، سوسیالیسم عربی است. تفکر سوسیالیسم عربی در جهان عرب پس از جنگ جهانی دوم در عراق ایجاد شد و جریان پیدا کرد. دو جریان مهم و اصلی این تفکر عبارت‌اند از:

الف. تفکر نشئت گرفته از ناصر در مصر،

ب. تفکر نشئت گرفته از حزب بعث در عراق و سوریه.

سوسیالیسم در عراق توسط اعضای حزب بعث و به‌خصوص «میشل عفلق»<sup>۱</sup> مطرح می‌شود. به اعتقاد مؤسسان حزب بعث، سوسیالیسم خدمتکار ناسیونالیسم است و ضرورتی است که از ژرفای ناسیونالیسم عربی نشئت می‌گیرد نه چیز دیگر. در حقیقت، سوسیالیسم تشکیل‌دهنده نظامی فکری و اجتماعی است که به انسان عربی اجازه درک امکانات و شکوفایی استعداد‌های خویش را خواهد داد. سوسیالیسم بیش از آن‌که نسخه‌ای برای حل برخی از مشکلات اجتماعی و اقتصادی باشد، وسیله‌ای برای بهبود نهادهای اخلاقی قشرهای وسیع مردم است. به تعبیر عفلق، سوسیالیسم عربی آمیخته با ناسیونالیسم است؛ به طوری که سوسیالیسم پیکر است و وحدت عرب جان آن می‌باشد. وحدت سیاسی، بارانی است که خودبه‌خود جامعه سوسیالیستی را خواهد رویاند. «فواد الرکابی»<sup>۲</sup> نویسنده کتاب "القومیة العربیة" که خود از سران حزب بعث می‌باشد، در این باره می‌نویسد:

1. Michel Aflaq

2. Fuad al-Rikabi



«تکمیل ساختار سوسیالیسم عربی، جز در وطن عربی بزرگ و جز در سایه وحدت عربی، امکان‌پذیر نیست و با ایجاد این وحدت، شرایط و امکانات اقتصادی، امکان‌پذیر نیست و با ایجاد این وحدت، شرایط و امکانات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای تحقق اهداف سوسیالیسم که همان تضمین رفاه و عدالت است، فراهم خواهد شد. درواقع، پیدایش وحدت عربی، سرآغاز اجرای سوسیالیسم عربی از بالاترین نقطه و با بیشترین امکانات به شمار می‌رود» (مریجی، ۱۳۸۷: ۶۰-۷۰).

برقراری سوسیالیسم از سالگرد کودتای چهاردهم ژوئیه ۱۹۶۴ به‌طور رسمی و توسط «عبدالسلام عارف»<sup>۱</sup> رئیس‌جمهور وقت عراق در این کشور اعلام شد. حکومت با صدور پنج مصوبه خبر از اجرای اصول سوسیالیسم در تمامی قوانین و مقررات کشور داد. این مصوبات عبارت بودند از:

- (۱) ملی شدن بانک‌ها و صنایع،
- (۲) تشکیل شوراهای اداره صنایع،
- (۳) تأسیس سازمان اقتصادی برای پیاده‌کردن اقتصاد سوسیالیستی،
- (۴) نظارت بر پیاده شدن اقتصاد سوسیالیستی،
- (۵) تأسیس اتحادیه سوسیالیستی عراق (مریجی، ۱۳۸۷: ۶۵).

برقراری نظام سوسیالیستی در کشور عراق نیز در کنار وابستگی این کشور به نفت و البته دیکتاتوری برقرار شده در آن به‌خصوص در دوران صدام باعث شد تا یک نظام مرکزگرای دولت‌محور در عرصه‌های مختلف به‌خصوص در عرصه اقتصادی ایجاد شود. این عامل سبب گردید دولت عراق نقش فعالی را در هدایت اقتصاد عراق ایفا کند. بر این اساس، صنایع دولتی مختلفی در این کشور شکل گرفت که به نسبت زیادی به یارانه‌های دولتی نیازمند بودند؛ این باعث می‌شد تا بدون یارانه‌ها چرخ کارخانه‌ها نچرخد (سنفرد<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳). به‌همین خاطر برخی از کارخانه‌ها در دوران تحریم و کاهش تزریق یارانه‌ها با مشکلاتی جدی روبرو شده و بعضاً تعطیل گشتند.

سوسیالیستی کردن جامعه عراق با توجه به ویژگی‌های خاص این جامعه باعث شد مردم عراق در امورات اقتصادی خود بسیار به دولت مرکزی وابسته شوند. این مورد سبب گردید با اشغال عراق توسط ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده آمریکا و در ادامه آن نیز سیاست‌های اشتباه «پل برمر»<sup>۱</sup>، حاکم آمریکایی عراق، در تلاش برای نئولیبرالیزه کردن اقتصاد، در مدت زمانی کوتاه نیز بسیاری از صنایع و زمین‌های کشاورزی از کار افتاده و یا از بین بروند (شوارتز، ۲۰۰۸: ۳۵) و بیکاری در این زمان به بیشترین میزان خود طی سال‌های قبل از ۲۰۰۳ م. و شرایط تحریمی برسد (فوکس اکانومیکس<sup>۲</sup>، ۲۰۲۳).

این موارد در کنار ناکارآمدی مسئولین، فساد اقتصادی و سیاسی گسترده‌ای که از زمان حضور ایالات متحده آمریکا در این کشور رشد و گسترش یافت، سبب افزایش نارضایتی‌های مردمی شد. بخشی از این فسادها را می‌توان به نیروهای آمریکایی نسبت داد به‌گونه‌ای که بسیاری از مردم عراق بر این باور هستند که پس از سرنگونی رژیم صدام و اشغال کشورشان توسط نیروهای آمریکایی، وضعیت مفساد مالی و اقتصادی در این کشور به شدت بدتر از قبل شده است (فارس، ۱۳۸۸).

با این تفاسیر، به نظر می‌رسد نیروهای آمریکایی از دو طریق بر فساد اقتصادی تأثیرگذار بودند:

الف. به صورت مستقیم (توسط خودشان)،

ب. به صورت غیرمستقیم؛ آمریکایی‌ها ساختار اقتصادی و سیاسی ناکارآمدی را در عراق پایه‌گذاری کردند که مبنای آن پیشبرد اهداف خود باشد (سرکیس نعوم، ۱۳۹۰).

فساد اداری و مالی نیز در میان نیروهای آمریکایی طی چند ماه اول اشغال مشاهده می‌شد؛ به‌گونه‌ای که مستشاران آمریکایی استخدام شده از جایگاه خود برای تجارت و دلالی بین دولت و شرکت‌های خارجی استفاده می‌کردند که بدین طریق، بخش عمده‌ای از اموال تخصیص‌یافته برای بازسازی عراق از بین می‌رفت (الزبیدی، ۲۰۰۸: ۱۶۹). در نتیجه

1. Paul Bremer

2. Focous Economics

می‌توان این‌طور بیان کرد که اشغال از دیدگاه سوسیالیستی نیز چندان دید مناسبی را در نگاه عراقی‌ها یادآور نمی‌شود.

#### ۴-۲-۴. منابع شناختی-ادراکی پست‌مدرنیستی در موضوع اشغال

لازم به توضیح است که نوع نگرش نگارندگان مقاله حاضر به رویکرد پست‌مدرنیستی برای برساختن یک رویکرد و نگاه نسبت به یک مسئله در این الگو، پیشینی است؛ بدین ترتیب که، ابتدا نگرش‌های مختلفی چون پست‌مدرنیسم که ذهنیت یک فرد عراقی را می‌سازد نسبت به یک مسئله در ذهن فرد عراقی تأثیر می‌گذارند و برآیند این مجموعه، یک تصمیم برساخته می‌شود.

بنابراین، یکی دیگر از منابع شناختی-ادراکی مردم عراق، پست‌مدرنیسم است. از مفاهیم مهمی که در اندیشه‌های پست‌مدرن بر آن تأکید می‌شود، تکثر انگاری در مقابل واحد انگاشتن حقیقت است. بر این اساس، هیچ حقیقت و گزاره مطلق نمی‌تواند وجود داشته باشد (کوپان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). با توجه به این امر، درستی تلاش برای گسترش دموکراسی به‌عنوان یک مدل برتر برای حکمرانی عراق پس از سال ۲۰۰۳ م. از سوی جورج بوش، مورد شک قرار می‌گیرد. این شک و تردیدها در جامعه پست‌مدرن، برآمده از دسترسی گسترده به اطلاعات و رسانه‌ها است که اساساً این نوع جامعه توسط این رسانه‌ها شکل می‌گیرد. در نتیجه، افکار و واقعیت‌های معرفی‌شده به فراواقعیت تبدیل می‌شود (حسین و کریم<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳: ۱۷۷).

نسبت‌دادن وضعیت عراق امروز به پست‌مدرنیسم از آن‌روی که اقتضاء وضعیت پست‌مدرن نیز تکثر، عصیان‌گری، عدم پابندی به چارچوب‌های تحمیل‌شده از بالا و تمایل به عبور از خطوط و مرزهای ترسیم‌شده به‌صورت استعلایی است، در جامعه عراق امروز خصوصاً در رفتارهای نسل جوان قابل رؤیت است. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین دلایل این مسئله، گسترش فضای مجازی در میان جامعه عراق امروز است. فضایی که امکان تکثر، عصیان علیه نظم موجود و کنشگری فعالانه را به مردم می‌بخشد. بنابراین شک و

1. Copan

2. Hossain & Karim

تردید و بدبینی امروز مردم عراق را می‌توان نشانه‌ای از تمایلات پست‌مدرن در جامعه‌ای دانست که خود هنوز به وضعیت مدرن قدم نگذاشته است. این تکثر و اغتشاش از ویژگی دوران کنونی ماست که طبیعتاً رسانه و فضای مجازی نقش پررنگ و آشکاری در شکل‌گیری آن دارد.

بر اساس بررسی‌های انجام‌شده مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی البیدر (مرکز البیدر للدراسات والتخطيط) تعداد استفاده‌کنندگان شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و اینستاگرام در عراق نزدیک به ۱۸ و ۱۴ میلیون نفر است (مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی البیدر، ۲۰۲۳). این میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی در این جامعه نسبتاً سستی با جمعیت ۴۵ میلیون نفری نیز عدد قابل ملاحظه است. این سطح استفاده از شبکه‌های اجتماعی باعث گسترش میزان آگاهی و تفکرات متنوع و متکثر در جامعه و به‌خصوص در میان قشر جوان که بیشترین مخاطبان این شبکه‌ها هستند، می‌شود که امکان گسترش تفکرات پست‌مدرنیستی را تقویت می‌نماید.

نمونه بارز ایجاد و گسترش این تفکرات در میان مردم را می‌توان در نظرسنجی‌های مختلفی که درباره کیفیت دموکراسی در میان مردم عراق انجام‌شده، ملاحظه کرد. بنابر نظرسنجی که بارومتر عربی انجام داده است با توجه به آنکه عراقی‌ها تقریباً تا یک دهه پس از اشغال به دموکراسی و کارکرد آن معتقد بودند اما با گذشت زمان بر میزان شکاکیت آنها با توجه به ناکارآمدی این نظام برای ساختار فعلی افزوده شد. بر این اساس، در سال ۲۰۱۱م. مردم عراق در پاسخ به سؤال «آیا دموکراسی ایجاد شده به‌وسیله ایالات متحده [با اهداف و شرایط مورد اشاره جورج بوش پیش از حمله به عراق] بی‌نتیجه و پر از مشکلات است» تنها ۲۹ درصد موافق بودند اما این تعداد در سال ۲۰۲۲م. به ۷۰ درصد می‌رسد (روبنز، ۲۰۲۳). بر اساس نظرسنجی که مرکز بینش در تحقیقات پیمایشی<sup>۱</sup> انجام داد، تنها ۵ درصد از مردم عراق در سال ۲۰۲۰م. نسبت به دموکراسی به‌عنوان نظام سیاسی ایجادشده

توسط آمریکا در این کشور نگاهی کاملاً مثبت دارند. این در حالی است که ۴۹ درصد از مردم با نگاهی منفی به این قضیه نگاه می‌کنند (سی.آی.اس.آر، ۲۰۲۰).

### ۵-۲-۴. مبانی ادراکی شناختی تاریخی مردم عراق در موضوع اشغال

نگاه تاریخی به مسائل و حوادث مشابه یکی از روش‌هایی است که مردم برای شناخت و بررسی یک موضوع به کار می‌برند. در این رویکرد و نگاه نسبت به مسئله اشغال عراق توسط ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا به نظر می‌رسد دو حادثه تاریخی در تصمیم‌گیری مردم تأثیرگذار باشد؛

اول) اشغال عراق پس از جنگ جهانی اول به وسیله بریتانیا  
دوم) انتفاضه شعبانیه.

اشغال عراق در سال ۲۰۰۳م. به وسیله آمریکا، اولین دفعه‌ای نبود که مردم این کشور را با چنین موضوعی روبه‌رو می‌کرد. اشغال پیش از این نیز حداقل طی تقریباً یک قرن اخیر در این کشور رخ داده بود. اشغال عراق به وسیله بریتانیا پس از شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴م. تجربه‌ای بود که مردم این کشور طی قرن اخیر با آن روبه‌رو بودند. در اواخر سال ۱۹۱۴م. انگلیس به جهت تشویق عرب‌های ساکن در امپراتوری عثمانی برای استفاده از منابع نفتی و موقعیت استراتژیک عراق، حمایت از کشورهای متفقین و به منظور حفاظت از سرزمین مصر، کانال سوئز و تأسیسات نفتی آبادان به بندر فاو و بصره در جنوب عراق حمله بردند (محمد کاظم، ۱۹۸۴: ۶۵). پس از اشغال این دو نقطه حساس، علمای بزرگ شیعه و اهل سنت علیه این اشغال فتوای جهاد صادر کردند؛ شیخ‌الاسلام مفتی اهل سنت دولت عثمانی نیز فتوای جهاد علیه سربازان اشغالگر بریتانیا را صادر کرد (انطونیوس، ۱۹۸۷: ۲۲۲).

در این راستا و همزمان با این حوادث، علمای بصره با ارسال تلگراف‌هایی از علمای نجف، کربلا و کاظمین درخواست حمایت در مقابل قوای بریتانیا و تحریک عشایر شیعه عراق برای نبرد را کردند که با پاسخ مثبت علمای بزرگ این شهرها مانند شیخ مهدی

خالصی، میرزا محمدتقی شیرازی، ملا فتح‌الله اصفهانی معروف به شیخ الشریعه، آیت‌الله سید کاظم یزدی و... روبه‌رو شدند (الوردی، ۱۴۲۵: ۱۲۷-۱۲۸).

پس از این نبردها که با حمایت عشایر و علما همراه بود -که البته شکست سپاه امپراتوری عثمانی و در نهایت اشغال بغداد را به دنبال داشت-، عراق به تسلط نیروهای بریتانیا درآمد؛ در ادامه انگلیسی‌ها در پی آن بودند تا اشغال این کشور را در جهان مشروع نشان دهند. به‌همین خاطر بیانیه‌هایی چون بیانیه ژنرال مود فرمانده نیروهای بریتانیایی در عراق برای مردم استان بغداد (۱۹ مارس ۱۹۱۷)، را در میان مردم عراق منتشر کردند. مطابق با بیانیه فوق: «انگلیسی‌ها برای آزادی مردم به عراق آمده‌اند نه برای دست‌درازی و دشمنی؛ [انگلیسی‌ها] تحمیل قانون بیگانه را دوست نمی‌دارند، بلکه باید اشراف و نمایندگان بغداد خود در اداره امور و جلب منافعشان شرکت کنند.»

این تلاش‌ها و وعده‌ها آنگاه چهره واقعی اشغالگرایانه خود را نشان داد که مطابق با کنفرانس «سانرمو»<sup>۱</sup> عراق به قیمومیت بریتانیا درآمد و مردم این کشور متوجه شدند که اشغال هنوز ادامه دارد. پس از این قضیه، به مرور شعله‌های انقلاب و آزادی‌خواهی در میان مردم عراق به‌خصوص شیعیان این کشور زبانه گرفت تا اینکه سرانجام پس از فتوای «جهادیه» توسط میرزا محمدتقی شیرازی معروف به میرزای کوچک، مرجع عالی‌قدر شیعیان عراق، این انقلاب که به «ثورة‌العشرین» مشهور است، آغاز شد. براساس این فتوا، «مطالبه حقوق بر عراقیان واجب است و بر آنان واجب است در ضمن درخواست‌های خویش، رعایت آرامش و امنیت را بنمایند و در صورتی که انگلستان از پذیرش درخواست‌هایشان خودداری ورزید، جایز است به قوه دفاعی متوسل شوند.

دومین حادثه مهم تاریخی، «انتفاضه شعبانیه» است. این حادثه باعث شد تا تصویری ضد شیعی از ایالات متحده در حافظه تاریخی شیعیان عراق به ثبت برسد. انتفاضه شعبانیه که پس از حمله آمریکا به این کشور در سال ۱۹۹۱م. و جریان اشغال کویت توسط صدام صورت گرفت، قیامی بود که عمدتاً از سوی شیعیان برای برانداختن حکومت وقت بعثی

صورت گرفت. این قیام که بلافاصله پس از شکست‌های پی‌درپی رژیم صدام از آمریکا در کویت انجام شد، به نظر می‌رسید اگر با توقف حملات آمریکا برای تصرف بغداد و چراغ سبز برای سرکوب شیعیان همراه نبود، امروز تاریخ به گونه دیگری نوشته شده بود.

«زلمای خلیل‌زاد»<sup>۱</sup> سفیر سابق آمریکا در عراق، ضمن تأیید تلویحی این موضوع، در این باره می‌گوید: «احساس می‌کنم پس از جنگ برای آزادسازی کویت کار درستی انجام ندادیم، چراکه عراق را با تمام جنایات صدام به حال خود رها کردیم.» از طرفی بنا بر یکی از اسناد به‌دست‌آمده از شنود اطلاعاتی سازمان استخبارات رژیم صدام، دلیل سرکوب مردم از سوی این حکومت، بی‌اعتنایی آمریکا نسبت به کمک به این قیام ذکر شده است. در این راستا سرلشکر «رفیق السامرائی»، از مقام‌های بلندپایه امنیتی حکومت بعث می‌گوید:

«دستگاه اطلاعاتی عراق ما کلمات بیسیم نیروهای انتفاضه را شنود می‌کرد. در گزارش شنود یکی از گفت‌وگوها میان دو تن از رهبران قیام، یکی از آن‌ها اظهار می‌دارد: "نزد نظامیان آمریکایی رفتیم و از آنان کمک خواستیم، اما پاسخشان منفی بود و زیر بار مساعدت به ما نرفتند. وقتی علت را جویا شدیم، گفتند چون شما شیعه هستید! طرف شنونده مکالمه پشت خط می‌گوید یک‌بار دیگر سعی کنید، ناامید نشوید و تقاضای قبلی را تکرار کنید. به او یادآور می‌شوند ما هم همین کار را کردیم و این مرتبه به ما گفتند: اصرار نکنید قادر به یاری‌رسانی نیستیم." سامرائی در ادامه درباره نتیجه این گزارش به صدام می‌گوید: زمانی که این گزارش به آگاهی صدام رسید، بی‌تردید دستور داد که انتفاضه را قاطعانه سرکوب کنیم و در ادامه گفت: خیالتان راحت، هیچ اتفاقی نمی‌افتد» (تبرائیان، ۱۳۹۱: ۳۷۳-۳۷۴).

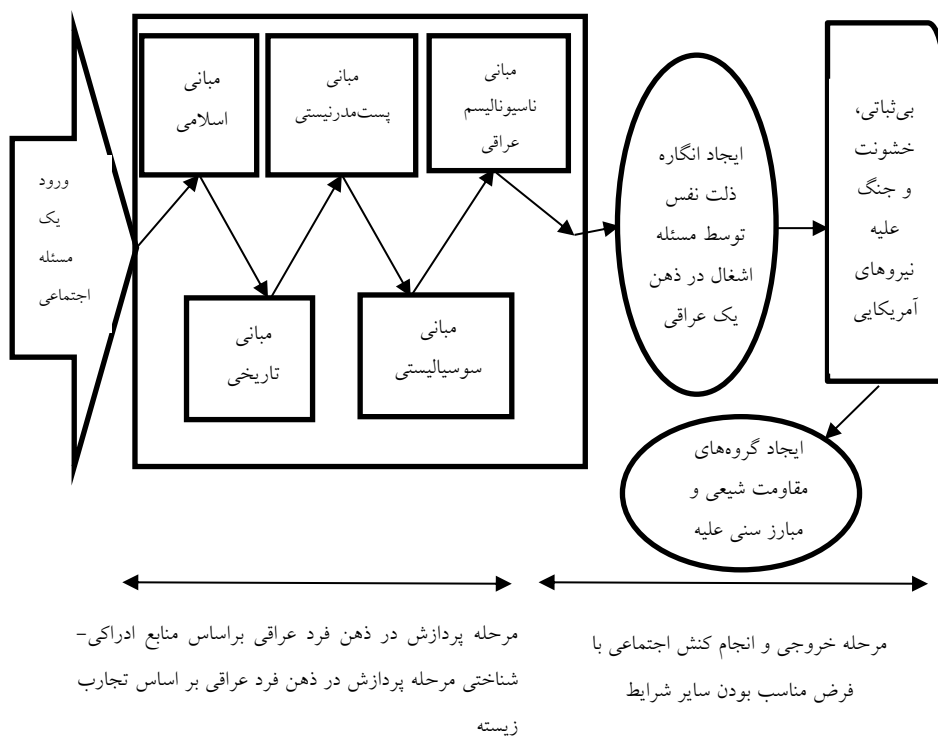
لازم به ذکر است که تلاش‌های شیعیان برای ایجاد یک منطقه پرواز ممنوع در جنوب عراق برای حمایت از قیام از سوی آمریکایی ناکام ماند و در نتیجه این انتفاضه به خاک و خون کشیده شد (تبرائیان، ۱۳۹۱: ۳۷۳-۳۷۴).

## ۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

پیچیدگی و چندلایه بودن جامعه عراق باعث گردید تا رفتارها، کنش‌های سیاسی و اجتماعی مردم این کشور به آسانی قابل تجزیه و تحلیل نباشد. یکی از مسائلی که این پیچیدگی در آن به خوبی قابل مشاهده است، مسئله اشغال عراق در سال ۲۰۰۳م. به وسیله ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده آمریکا است. بر این اساس، این پژوهش در پی آن بود تا با ارائه یک چارچوب تبیینی برای تحلیل منطق شناختی- ادراکی جامعه عراق به این سؤال پاسخ دهد که منابع و منطق شناختی جامعه عراق در قالب چه مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی قابل شناسایی و مفصل‌بندی است؟

بر اساس بررسی‌های انجام شده توسط پژوهشگران این تحقیق به نظر می‌رسد منطق شناختی مردم عراق بدین گونه قابل بیان است که ابتدا مسئله ایجاد شده بر اساس مبانی شناختی- ادراکی این مردم در حوزه‌های اسلامی، ناسیونالیسم عراقی، سوسیالیستی، پست‌مدرنیستی و تاریخی در ذهن مخاطب مورد کنکاش قرار می‌گیرد. در این میان، ممکن است که هرکدام از این مبانی در ذهن شخص عراقی، از وزن و کیفیت متفاوتی برخوردار باشند. پس از این رفت‌وبرگشت‌های ذهنی بین منابع مختلف شناختی، تصمیمی جهت اعلام موضع و کنش در برابر این مسئله از سوی ذهن صادر می‌شود که همان‌طور که لیبو به آن معتقد است، اگر برداشت آن شخص یا جامعه از مسئله، عاملی در جهت افزایش افتخار و عزت‌نفس وی باشد، واکنش مثبتی نسبت به آن نشان می‌دهد که این موضوع باعث ایجاد تعادل در جامعه می‌شود.





شکل شماره (۵). مدل مفهومی نحوه ادراک جامعه عراق از موضوع اشغال عراق در سال ۲۰۰۳م.

(نگارندگان، ۱۴۰۲؛ و اقتباس از مدل مفهومی پژوهش در شکل شماره ۳)

اگر همان‌طور که در بررسی موردی مسئله اشغال در قالب شکل (۵) قابل مشاهده است، هریک از منابع شناختی مذکور به نحوی در برابر این موضوع، نگرشی را انگاره‌سازی نمایند که طی آن عزت‌نفس یک عراقی دچار آسیب شود، در نهایت کنش آن شخص و جامعه متبوع وی به سمت بی‌ثباتی، خشونت و جنگ کشیده خواهد شد. ایجاد گروه‌های مقاومت شیعی و گروه‌های مبارز سنی علیه ایالات متحده آمریکا و نبردهای معروفی چون عملیات فلوچه و حمله به پایگاه‌های آمریکایی در حفاصل سال‌های ۲۰۲۰م. الی ۲۰۲۳م. از جمله نشانه‌های واکنش منفی جامعه عراق نسبت به مسئله اشغال و حضور ایالات متحده آمریکا بوده است.

## ۱-۵. پیشنهادات

(۱) پیش از تصمیم‌گیری در مورد هر موضوع حساس و مهمی نسبت به کشور عراق توسط تصمیم‌گیران ج.ا.ایران باید به این نکته توجه شود که؛ این تصمیم کمتر تعارضی با مولفه‌های زیر داشته باشد تا بدین نحو شاهد مخالفت جامعه عراق با تصمیمات گرفته شده نباشیم. از جمله این مسائل که باید مورد توجه قرار گیرند عبارتند از:

- مبانی، اندیشه‌ها و تجربیات اسلامی،
- ناسیونالیسم عراقی،
- ناسیونالیسم پست‌مدرنیستی،
- ناسیونالیسم سوسیالیستی،
- ناسیونالیسم تاریخی مردم عراق.

(۲) در حوزه اجرای سیاست‌های ج.ا.ایران در کشور عراق، مجریان نسبت به عدم خدشه‌دار کردن عزت‌نفس جامعه عراق توجه خاص و ویژه داشته باشند تا از امکان به‌وجود آمدن هرگونه مقاومتی در برابر سیاست‌های خیراندیشانه ج.ا.ایران در قبال کشور همسایه خود جلوگیری نمایند.

(۳) با استفاده از الگوی مذکور، فعالیت‌های ایالات متحده آمریکا در راستای تخریب عزت‌نفس مردم عراق در جریان اشغال این کشور تا به امروز در فضای رسانه‌ای نیز تبیین و بازگو شود.

## منابع

## الف- فارسی و عربی

- قرآن کریم.
- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز؛ صالحی، سیدجواد؛ و عابدی، مرضیه (۱۳۹۶). «بنیان‌های جامعه‌شناسی گسست در امنیت ملی عراق نوین»، *فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی*، ۱۶ (۸۵)، ۱۷۲-۱۴۵.
- افشون، تورج (۱۳۹۹). *جامعه‌شناسی سیاسی عراق با تأکید بر نقش آمریکا در شکاف‌های هویتی-قومی*. تهران: انتشارات عقل سرخ.
- اکبری، مرتضی (۱۳۹۹). *تاریخ سیاسی عراق پس از سقوط صدام حسین (از ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰ میلادی)*. ایلام: انتشارات هاوار.
- الودری، علی (۱۳۹۱). *تاریخ عراق: دیدگاه اجتماعی از تاریخ عراق*. ترجمه هادی انصاری. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- الوردی، علی (۱۴۲۵). *لمحات الاجتماعية من تاریخ العراق الحديث*. قم: المكتبة الحیدریة.
- الوردی، علی (۲۰۱۲). *شخصیة الفرد العراقي*. لندن: منشورات دار لیلی.
- انطونیوس، جورج (۱۹۸۷). *یقظه العرب: تاریخ حركة العرب القومیة*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- بالازاده، زهره؛ اشرفی، امراله؛ و بارانی، فرهاد (۱۳۹۴). «بررسی واکنش ایران به چالش‌ها و تحریم‌های بین‌المللی از منظر سازه‌انگاران»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۸ (۳۲)، ۱۱۴-۶۷.
- پاکزاد، جهان‌شاه؛ بزرگ، حمیده (۱۳۹۵). *القبای روانشناسی محیط برای طراحان*. تهران: انتشارات آرمان‌شهر.
- پرایس، ریچارد؛ رئوس اسمیت، کریستین (۱۳۸۵). «رابطه خطرناک؟ نظریه انتقادی روابط بین‌الملل و مکتب سازه‌انگاری». در اندرو لینکلتر: *نواقع‌گرایی، نظریه انتقادی و مکتب برسازی*. ترجمه علیرضا طیب، تهران، دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه.

- تیراثیان، صفاءالدین (۱۳۹۱). *انتفاضه شعبانیه حماسه مقاومت اسلامی ملت عراق*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خلیل، بشری (۱۳۹۹). «وکیل مدافع شیطان»، *مجله عصر اندیشه*، (۲۴)، ۱۲۷-۶۷.
- رجایی پور، مصطفی؛ خالقی بایگانی، عزیز؛ و احمری، حسین (۱۳۹۸). «نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری در آیات ۲۷۹ بقره، ۱۴۱ نساء و ۸۳ قصص». *فصلنامه آموزه‌های قرآنی*، ۱۶ (۳۰)، ۱۵۵-۱۸۰.
- رحمانی، محمد (۱۳۸۲). «قاعده نفی سبیل از منظر فریقین»، *فصلنامه مجله طلوع*، (۶)، بازیابی از: [yun.ir/qtr7c8](http://yun.ir/qtr7c8).
- رشیدی، مصطفی (۱۳۹۰). *کردارهای جغرافیایی و تبیین سیاست خارجی به‌عنوان کرداری ژئوپلیتیکی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران.
- الزبیدی، حسن لطیف؛ محمدالعبادی، نعمه؛ و لافی السعدون، عاطف (۲۰۰۸). *عراق در جستجوی آینده*. ترجمه علی شمس. تهران: انتشارات اندیشه‌سازان نور.
- سجادی، مهدی (۱۳۷۹). «تربیت اخلاقی از منظر پست‌مدرنیسم و اسلام (بررسی و نقد تطبیقی مبانی و اصول)». *فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۱ (۲)، ۴۷-۹۰.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۶). «نگرشی سازه‌انگارانه به هویت ملی در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ۸ (۳)، ۳۱-۵۳.
- شاه‌چراغی، آزاده (۱۳۸۸). «تحلیل فرآیند ادراک محیط باغ ایرانی بر اساس نظریه روانشناسی بوم‌شناختی»، *نشریه هویت شهر*، ۳ (۵)، ۷۱-۸۴.
- شیخ صدوق (۱۳۴۳). *من لایحضره الفقیه*. جلد ۴. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عابدی، شیما؛ حنایی، تکتتم (۱۴۰۱). «واکاوی نقش عوامل ادراکی-شناختی بر الگوهای رفتاری کودکان با تأکید بر هوش هیجانی مورد پژوهی: محله سجاد مشهد»، *نشریه مطالعات بین‌رشته‌ای در تعالی معماری و شهرسازی*، ۱ (۲)، ۱۷۶-۱۵۷.

- عطائی، فرهاد؛ واسعی‌زاده، نسیم (۱۳۹۲). «از روابط فرهنگی تا نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل: مروری بر نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۵ (۱۵)، ۱۹-۴۲.
- کاگلین، کن (۱۴۰۰). *صدام؛ از ظهور تا سقوطش*. جلد اول، ترجمه بیژن اشتیری. تهران: نشر ثالث.
- لاکلا، ارنستو (۱۳۹۵). *تحلیل گفتمان سیاسی؛ امر سیاسی به مثابه یک برساخته گفتمانی*. ترجمه امیر رضایی‌پناه و سمیه شوکتی مقرب. تهران: انتشارات تیسرا.
- متقی، ابراهیم و کاظمی، حجت (۱۳۸۶). «سازهانگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست*، ۳۷ (۴)، ۲۰۹-۲۳۷.
- مجتهدی زنجیرآباد، ابوالقاسم؛ عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۷). «بررسی نظریه سازهانگاری در حوزه مطالعاتی روابط بین‌الملل و لزوم به‌کارگیری آن در راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه راهبرد*، ۲۷ (۴)، ۱۷۷-۲۰۵.
- محرمی، توحید (۱۳۹۴). «اشغال سرزمینی و پیامدهای فرهنگی آن (مطالعه موردی اشغال عراق)»، *فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۶ (۳۱)، ۱۹۹-۲۲۳.
- محمدکاظم، عباس (۱۹۸۴). *ثوره الخامس عشر من شعبان*. بنگلادش: مرکز الشباب المسلم.
- مرکز البیدر للدراسات و التخطيط (۲۰۲۳). *بالأرقام عدد مستخدمی مواقع التواصل الاجتماعي فی العراق*. فی: مرکز البیدر للدراسات و التخطيط. بازیابی از: <https://www.baidarcenter.org/posts/2194>
- مریجی، شمس‌الله (۱۳۸۷). *مبانی فکری و زمینه‌های اجتماعی جریان‌های معاصر عراق*. قم: بوستان کتاب قم.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳). «گفتگوی تمدن‌ها از منظر سازهانگاری»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۲۴ (۶۳)، ۱۶۹-۲۰۲.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*. تهران: انتشارات سمت.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰). «تحولات جدید نظری در روابط بین‌الملل زمینه مناسب برای نظریه‌پردازی بومی»، *نشریه پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۶ (۲)، ۱۶۵-۲۰۴.

- منتی، ایوب (۱۳۹۹). «خیزش مجدد ناسیونالیسم عربی عراقی در عراق (۲۰۲۰-۲۰۰۳)»، *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۲ (۱)، ۱۶۱-۱۳۱.
- نصری، قدیر (۱۳۸۵). «پست مدرنیسم و الزامات روش شناختی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۹ (۳۱)، ۳۰-۸.
- یزادانی، عنایت‌الله؛ شیخ حسینی، مختار (۱۳۹۲). «بحران هویت در عراق معاصر: واکاوی علل و زمینه‌ها»، *فصلنامه سیاست*، ۴۳ (۱)، ۲۳۵-۲۱۷.

### ب- منابع انگلیسی

- Bunton, Martin (2008). "From Developmental Nationalism to the End of Nation-State in Iraq?", *Third World Quarterly*, 29 (3), 631-646.
- CISR (2020). "Nationwide Public Opinion Poll Of Iraqi Citizens", *Center for Insights in Survey Research*. Retrieved: <https://www.iri.org/wp-content/uploads/2020/12/irq-20-ns-01-pt-public.pdf>.
- Copan, Paul (2007). "What is Postmodernism". Retrieve from: *North American Mission Board*. At: <http://www.4truth.net/%20on%20October%202023,%202012>.
- Focous Economics (2023). "Iraq Unemployment". *Focous Economics*, Retrieved from: <https://www.focus-economics.com/country-indicator/iraq/unemployment>.
- Franzén, John (2011). "The problem of Iraqi nationalism", *National Identities*, 13 (3), 217-234.
- Hossain, Dewan Mahboob; Karim, M. M. Shariful (2013). "Postmodernism: Issues and Problems", *Asian journal of social sciences and humanities*, 2 (2), 173-181.
- Iraq Centre for Research and Strategic Studies (2006). "Public Opinion Survey in Iraq: Security & Political Situations", *Iraq Centre for Research and Strategic Studies*.
- Kubalkova, Vendulka (2016). *Foreign Policy in a Constructed World*. New York: Routledge.
- Lebow, Richard Ned (2009). *A Cultural Theory of International Relations*. Cambridge University Press.
- ORB International (2020). Iraq 20 year anniversary, ORB International.
- Özoğlu, Hakan (2001). "Nationalism and Kurdish Notables in the Late Ottoman–Early Republican Era", *International Journal of Middle East Studies*, 33 (3), 383-409.

- Program on International Policy Attitudes (2006). "The Iraqi Public on the US Presence and the Future of Iraq". Retrieve from: *University of Maryland*, At: <http://hdl.handle.net/1903/10157>.
- Rear, Michael (2008). *Intervention, Ethnic Conflict and State-Building in Iraq; A Paradigm for the Post-Colonial State*. New York: Routledge.
- Sanford, Jonathan (2003). "Iraq's economy: Past, present, future", *Congressional Research Service*, Retrieve from: [yun.ir/bolkbg](http://yun.ir/bolkbg).
- Schwartz, Michael (2008). *War Without End: The Iraq War in Context*. Haymarket Books.
- Tessler, Mark (2005). "Iraqi Assessments of the U.S. Presence in Their Country", *The Journal of the International Institute*, 13 (1), Retrieve: <http://hdl.handle.net/2027/spo.4750978.0013.103>
- Vine, David (2021). "Creating Refugees: Displacement Caused by the United States", *Watson Institute*, Post-9/11 Wars.

### پ- منابع اینترنتی

- بوش، جورج دبلیو (۲۰۰۳). «خطاب رئیس بوش حول الحرب مع العراق في ۱۹ مارس ۲۰۰۳»، قابل دسترسی در: [yun.ir/a5w4n6](http://yun.ir/a5w4n6).
- روبنز، مایکل (۲۰۲۳). «نبض العراق في الذكرى العشرين للغزو، الباروميتر العربي». قابل دسترسی در: <https://www.arabbarometer.org/ar/2023/03/12822>
- سرکیس نعوم (۱۳۹۰). «امریکایی‌ها چقدر در فساد مالی عراق دست داشتند؟»، *دیپلماسی ایرانی*، ۲۷ بهمن، قابل دسترسی در: [yun.ir/or7sha](http://yun.ir/or7sha).
- سیستانی، سید علی (۲۰۰۳). «بیانیه دفتر معظم له در قم درباره تدوین قانون اساسی عراق»، ۲۹ شهریور، *پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مرجع عالی‌قدر آقای سید علی حسینی سیستانی*، قابلیت دسترسی از: <https://www.sistani.org/persian/statement/1527>
- فارس (۱۳۸۸). «امریکایی به علت فساد مالی در عراق محکوم شدند»، *فارس نیوز*، دوم اسفند، قابل دسترسی در: [yun.ir/rbtcb7](http://yun.ir/rbtcb7)

